

## Analyzing and criticizing the book *Teshneh Dar Atash* from the oral History of Holy Defence

Ali Mohammadi

MA in Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran

**Abstract:** *Teshneh Dar Atash* is the title of Hoshang Abdi's memoirs, one of the veterans of the Holy Defense era, written by Javad Mosheth. This book is a sub-series of memoirs of the Holy Defense that tells the biography of the narrator from birth to the victory of the Islamic revolution and the beginning of the imposed war. Oral history is a systematic and informed conversation between two people, which is formed about aspects of past events. This dialogue between the historian and the interviewee should be able to fill the gaps of history in the context of the subject. One of the reasons that usually make oral history readable and attractive is a different reading and representation of past events, through which the other side of history is heard, seen, and read. With the assumption that *Teshneh Dar Atash* is an example of oral history, the researcher analyzed and expressed the characteristics of the oral history of the Holy Defense in this book and came to the conclusion that the interviewer, by choosing the topic and directing the interview and writing, turned the historiography into a work with literary values. The way the interview was conducted, the events were depicted, the documents and photos were cited, the real names, times, and places were mentioned, the narrator's mental states were expressed, and the sense of identification created a worthy work. Knowing the history of the war, the author created the personal memory of the narrator along with the objective reality in order to provide a correct reflection of the events of the Holy Defense.

**Key Words:** Oral History, Holy Defense, Memory, *Teshneh Dar Atash*.

### واکاوی و نقد کتاب تشنه در آتش از آثار منتشرشده تاریخ شفاهی دفاع مقدس

علی محمدی

کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

#### چکیده

تشنه در آتش عنوان خاطرات هوشنگ عبدی، از پیشکسوتان دوران دفاع مقدس است که به قلم جواد موثق نگارش یافته است. این کتاب زیرمجموعه نوعی خاطره نگاری دفاع مقدس است که به بیان زندگی نامه راوی از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی پرداخته است. تاریخ شفاهی (Oral History) یک گفت‌وگوی قاعده‌مند و آگاهانه بین دو نفر است که درباره ابعادی از وقایع گذشته شکل می‌گیرد. این دیالوگ بین مورخ و مصاحبه‌شونده باید بتواند ناگفته‌ها و حفره‌های تاریخ را در زمینه موضوع مدنظر پر کند. یکی از دلایلی که معمولاً تاریخ شفاهی را خواندنی و جذاب می‌کند، خوانشی متفاوت و بازنمایی از وقایع گذشته است که از طریق آن روی دیگر تاریخ شنیده، دیده و خوانده می‌شود. پژوهشگر با این فرض که تشنه در آتش نمونه‌ای برای تاریخ شفاهی است، به واکاوی و بیان ویژگی‌های تاریخ نگاری شفاهی دفاع مقدس در این کتاب پرداخت و به این نتیجه رسید که مصاحبه‌گر با انتخاب موضوع و هدایت مسیر مصاحبه و نگارش، تاریخ نگاری را مبدل به اثری با ارزش‌های ادبی ساخته است. حس همذات پنداری، نحوه هدایت مصاحبه، ترسیم وقایع، استناد به اسناد و عکس، ذکر نام‌ها، زمان‌ها و مکان‌های واقعی، بیان حالات روحی راوی، اثری شایسته پدید آورده است. موثق با اطلاع از تاریخچه جنگ، خاطره شخصی راوی را همراه با واقعیت عینی، فضا سازی کرد تا بتواند بازتاب درستی از وقایع دفاع مقدس ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شفاهی، دفاع مقدس، خاطره، تشنه در آتش.

## ۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری در دنیای جدید با تحولاتی همراه بود که ظهور تاریخ شفاهی یکی از آنهاست. تاریخ شفاهی رویکرد نویی در تاریخ‌نگاری است که با تولید داده‌های تاریخی از خلال زندگی افرادی که شاهدان عینی یک واقعه بودند، اطلاعات تجربی را جمع‌آوری می‌کند. تحولات حاصل در حوزه تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی را نیز در عمل و نظر با تحولاتی همراه کرد. تحولات دفاع مقدس نیز که در تاریخ می‌درخشد، می‌توان از دل آن برای سالیان سال آثار فاخر تولید کرد؛ اما در این زمینه باید قواعد و اصول نیز رعایت شود. مورخ باید آگاه به جزئیات و وقایع باشد که نویسنده کتاب و مصاحبه‌کننده، منفعل عمل نکرده و جریان مصاحبه را به‌طور کامل در دست داشته باشند. همچنین، هنر مصاحبه‌کننده است که بتواند مصاحبه‌شونده را هنگامی که از بحث خارج شد، به مسیر اصلی بازگرداند. به عبارت دیگر، در تاریخ شفاهی ممکن است سه مشکل به‌وجود آید: کتمان، نسیان و مبالغه. اینجا مصاحبه‌کننده نقش تعیین‌کننده بر عهده دارد که این موارد را تعدیل کند. نویسنده/مصاحبه‌گر با تلاش فراوان باید بتواند واقعیت‌ها را بدون تحریف و غلو به جامعه و آیندگان عرضه کند. کسی که مصاحبه انجام می‌دهد، باید بیشتر از مصاحبه‌شونده اطلاعات و آگاهی در زمینه موضوع مدنظر داشته باشد. تا کنون مطالعات موفق معدودی در زمینه واکاوی تاریخ شفاهی در آثار منتشرشده دفاع مقدس انجام گرفته است. در این راستا مطالعه موردی واکاوی تاریخ شفاهی دفاع مقدس در مجموعه خاطرات «دختر شینا»، (واشقانی فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۷) و رمان «دا» مجموعه خاطرات سیده زهرا حسینی (راوی خاطرات) (حسینی، ۱۳۸۷)، دو نمونه از این برهه ادبیات دفاع مقدس است که سعی دارد با خاطره‌نگاری و گردآوری اطلاعات تاریخ‌دار به نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری شفاهی با ارزش‌های ادبی منجر شود.

موضوع مقاله واکاوی و نقد آثار منتشرشده تاریخ شفاهی دفاع مقدس، کلی بوده و نیازمند مطالعه تمام یا بخش وسیعی از آثار تألیفی و نگارش‌یافته در این زمینه و در بازه زمانی طولانی است؛ بنابراین، نگارنده به دلیل نبود فرصت کافی، ضمن بیان کلیات و تاریخچه بحث، یکی از آثار منتشرشده تاریخ شفاهی دفاع مقدس را که با همکاری بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان اردبیل به چاپ رسیده، بررسی شده است.

## ۱-۱. بیان مسئله

تاریخ شفاهی (Oral History) یکی از شیوه‌های تاریخ‌نگاری و تحقیقات تاریخی است که جنبه شفاهی دارد. «در این روش، مورخ محقق از طریق شنید و گفت روشمند (مصاحبه) با مراجع روایی، یعنی واقفان (به) و آگاهان از پدیده‌ها و رخدادها (کنشگران و نقش‌آفرینان، شاهدان و ناظران، سامعان و خبریافتگان) به گردآوری و شناخت مسئله‌ها و موضوعات روی داده اقدام می‌کند» (کمری، ۱۳۸۴: ۳).

توجه جدی به مسئله جنگ و تدوین کتاب‌هایی در این موضوع طی سال‌های گذشته، خواننده را با دو تفکر متفاوت مواجه می‌سازد؛ نخست اینکه آیا متن منتشرشده، خاطرات رزمندگان، فرماندهان یا شاهدان عینی جنگ تحمیلی است یا تراوش‌های قلمی تدوین‌کنندگان این حوزه؛ حتی در برخی از موارد، تدوین‌کنندگان چنان در جزئیات جنگ وارد شده‌اند که جنگ برای خوانندگان، تخیلی تداعی می‌شود. بی‌توجهی به مستندسازی موضوعات مطروحه جنگ و واکاوی و به چالش کشاندن موضوع در آثار منتشرشده وجود ندارد و هر آنچه منتشر شده، بیشتر خاطره‌نگاری بوده است تا تدوین تاریخ شفاهی. انتشار کتاب‌هایی چون *دا*، *بابا نظر*، *پوتین‌های مریم* ... نشان‌دهنده این واقعیت است که تدوین‌کنندگان هیچ‌گاه به تاریخ شفاهی توجه نداشته و بدون توجه به استانداردهای تاریخ شفاهی با تولید متن تنها به ادبیات جنگ کمک مختصری کرده‌اند. آیا این شیوه تدوین می‌تواند واقعیت‌های جنگ را حفظ و منعکس کند؟ این مقاله درصدد است تا با نقد و بررسی نمونه کتاب‌ها درباره جنگ تحمیلی به موضوع خاطره‌نگاری جنگ و مرز بین خاطرات و تاریخ شفاهی در تدوین این کتاب‌ها بپردازد.

تشنه در آتش عنوان کتاب خاطرات هوشنگ عبدی، با خاطره‌نگاری جواد موثق است. این کتاب به لحاظی، زیرمجموعه تاریخ‌نگاری شفاهی است و از لحاظ دیگر، نمونه‌ای برای تاریخ‌نگاری با ارزش‌های ادبی است. مسئله اصلی که در مواجهه با چنین اثری به ذهن خطور می‌کند آن است که نگارنده به چه روشی به گردآوری اطلاعات و با چه شیوه‌ای به پردازش و نگارش آن پرداخته است تا بتواند در عین نگارش تاریخی مستند و عینی، اثری با صبغه ذهنی راوی بیافریند که به هم‌ذات‌پنداری مخاطب و تأثیرگذاری بر او منجر شود؟ برای پاسخ گویی به این مسئله اصلی، لازم است به این پرسش‌ها

پاسخ داده شود:

- ویژگی‌های کتاب تشنه در آتش در مرحله گردآوری اطلاعات و نگارش متن چیست؟
- ویژگی‌های این کتاب در مرحله پردازش اطلاعات و نگارش متن چیست؟
- علل و اسباب توفیق تشنه در آتش براساس معیارهای خاطره‌نگاری چیست؟

#### ۱-۲. پیشینه تحقیق

تقریباً چند ماه پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، تاریخ شفاهی جنگ، به‌طور کاملاً خودجوش و مردمی متولد شد. رزمندگانی که به جبهه رفته و در عملیات دفاع از آبادان و خرمشهر شرکت کرده بودند، پس از بازگشت به خانه، خاطرات شفاهی خود را برای رادیو و تلویزیون، خانواده، اقوام و دوستان روایت می‌کردند؛ حتی برخی از این خاطرات روی نوارکاست ضبط و بعضی نیز در مطبوعات منتشر می‌شد. همچنین، برخی از رزمندگانی که دارای خودآگاهی تاریخی بودند، در هر فرصتی که پیدا می‌کردند، مشاهدات خود را روی نوار ضبط می‌کردند. مریم شانکی در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ با عده زیادی از رزمندگانی که در خرمشهر جنگیده و مقابل ارتش صدام مقاومت کرده بودند، در قالب تاریخ شفاهی مصاحبه‌هایی انجام داد. خانم شانکی علاوه بر مردها، با عده‌ای از دختران و زنان پرستار حاضر در خط مقدم جبهه یا پشت جبهه نیز گفت‌وگوهای انجام داد. بخشی از این گفت‌وگوها بعد از جنگ با عنوان در کوچه‌های خرمشهر چاپ شد که از آن استقبال زیادی شد (شانکی، ۱۳۸۶). همچنین، در چند ماه اول جنگ، رادیو نفت آبادان نیز گام‌هایی در این زمینه برداشت که متأسفانه تا امروز این تلاش‌ها مورد غفلت مورخان قرار گرفته است که مشغول پژوهش در باب تاریخچه تاریخ شفاهی جنگ در ایران هستند؛ اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین واقعه در پروژه تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی را به وجود آورد. با ادامه جنگ، تقریباً از سال ۱۳۶۱ در واحد تبلیغات سپاه پاسداران در تهران، جمعی از افراد به‌طور خودجوش به فکر ضبط خاطرات شفاهی رزمندگان بسیجی و پاسدار شرکت‌کننده در جنگ افتادند. در همین راستا تشکیلاتی به وجود آمد و عده‌ای پس از آموزش‌های مختصری، راهی پادگان‌های نظامی و جبهه‌های نبرد شدند. پس از جنگ تحمیلی

نیز، در سپاه پاسداران روند ضبط خاطرات شفاهی رزمندگان ادامه یافت. در این طرح، هزاران ساعت خاطره شفاهی از جنگ و عملیات‌های مختلف روی نوار کاست ضبط شد؛ البته این طرح به دلیل ناآشنایی دست‌اندرکاران با اصول اولیه تاریخ شفاهی، دچار اشکالاتی بود که مهم‌ترین آنها شناسایی نشدن افراد خاطره‌گو بود؛ به این ترتیب که بسیاری از افراد به دلیل باورهای خاصی که داشتند، مثل دوری از ریا، حاضر نبودند هنگام ضبط خاطراتشان، خود را معرفی کنند. همچنین، از خود و احوالات شخصی‌شان چیزی نمی‌گفتند و فقط از دوستان شهیدشان یا دل‌آوری‌های رزمندگان در حین نبرد، خاطره تعریف می‌کردند. در این میان یک اتفاق مهم افتاد و آن این بود که جنگ که به‌طور مردمی شروع شده بود، در یک فرایند چندساله به یک پدیده دولتی تبدیل شد؛ به این معنا که همه کارهای مربوط به جنگ، از جمله تولید تاریخ شفاهی آن به انحصار دولت درآمد. نهادهای مردمی دیگر برای خود در این زمینه رسالتی قائل نبودند. همچنان که اکنون در ایران نزدیک به بیست مرکز مختلف به نوعی مشغول انجام پروژه تاریخ شفاهی انقلاب و به‌ویژه جنگ تحمیلی هستند؛ اما همه این مراکز، صد در صد وابسته به دولت هستند. در ایران کنونی حتی یک مرکز کاملاً خصوصی در زمینه تاریخ شفاهی جنگ یا تولید آثار مکتوب در این باره فعال نیست. همین امر باعث شده است تاریخ شفاهی انقلاب و جنگ هشت‌ساله در ایران وابسته به دولت و قدرت شود؛ یعنی مراکز دولتی تعیین‌کننده خط‌مشی‌های کلی روند تاریخ شفاهی باشند؛ مراکزی که به هر حال وابسته به سیاست‌های خاص و محدودکننده دولت، با همه اعمال نظرهای آشکار و پنهان آن هستند. از منظر فلسفه تاریخ شفاهی، شاید همین دولتی و وابسته به قدرت رسمی شدن، بزرگ‌ترین نقطه ضعف و آسیب تاریخ شفاهی انقلاب و جنگ هشت‌ساله در ایران باشد (همان).

هرچند کتاب پُرشماری در زمینه ادبیات پایداری در قالب تاریخ شفاهی در وبگاه تاریخ شفاهی ایران درج و نقد و بررسی شده است، تا کنون وبگاه تاریخ شفاهی ایران به واکاوی و بررسی کتاب تشنه در آتش در قالب تاریخ شفاهی نپرداخته و هیچ صفحه‌ای نیز برای تحلیل و نقد و بررسی آن اختصاص نداده است؛ ولی خارج از آن، یکبار در اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های استان اردبیل نقد و بررسی شده است که از نحوه و تاریخ اجرای آن، اطلاع دقیقی در دست نیست.

## ۳-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

خاطره‌نویسی در ایران حضوری بس طولانی دارد و این حضور کهن و تأثیرگذار، نشان‌دهنده اهمیت این نوع نگارش در میان ایرانیان است. در حقیقت بخشی بزرگ از تاریخ‌نگاری ایران، متکی بر خاطره‌نگاری است؛ از سنگ‌نبشته‌های ایران باستان و میانه گرفته تا آنچه نویسندگان خدای‌نامه‌ها و شاهنامه‌های متثور و سراینده‌گان شاهنامه‌های منظوم به قلم آورده‌اند، همواره حضور راوی مشاهده می‌شود که با ذهنیت و زاویه دید خویش در متن حضور می‌یابد. بخش بزرگی از آنچه در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بر ملت ایران گذشت، مشمول همین‌گونه تاریخ‌نگاری و از جنس خاطراتی است که راویان دست اول به نقل آن پرداخته‌اند. «مخاطب امروز به دنبال یافتن لایه‌های پنهان جنگ، چرایی حادثه‌ها و در یک کلام حقیقت جنگ و یافتن زندگی در خاطرات جنگ است» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۷۵)؛ بنابراین، اهمیت تاریخ‌نگاری و تاریخ شفاهی دفاع مقدس آشکارتر می‌شود؛ یعنی خاطره‌نگاری جنگ از جهتی و نقد و تحلیل خاطره‌نگاری‌های آن، هم حائز اهمیت و ارزش ادبی است و به سبب شناخت بهتر و عینی‌تر بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران و جهان، ضرورت و اهمیت دارد. همچنین، نکته‌ای که در پژوهش حاضر می‌تواند عامل مزیت و اهمیت به شمار آید، تجربه راوی، هوشنگ عبدی به‌عنوان مصاحبه‌شونده در میادین هشت سال دفاع مقدس است.

## ۲. بحث

## ۲-۱. معرفی کتاب

کتاب *تشنه در آتش*، خاطرات هوشنگ عبدی یکی از پیشکسوتان هشت سال دفاع مقدس استان اردبیل با مصاحبه‌گری میرصالح حسینی و خاطره‌نگاری جواد موثق است. کتاب دارای ۲۲۶ صفحه شامل مقدمه، چهارده فصل به ضمیمه عکس‌ها و مدارک است. این کتاب که با محوریت موضوع دفاع مقدس به بیان زندگی‌نامه راوی از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی و حضور او در جبهه‌ها و شرکت در برخی عملیات‌های دفاع مقدس پرداخته، سال ۱۳۹۶ به‌وسیله انتشارات خط هشت به چاپ رسیده است. ماجراهای کتاب از کودکی راوی شروع می‌شود که با استفاده از شناسنامه پسر همسایه در مدرسه ثبت‌نام

می‌کند. خانواده او در روستای ینگجه ملا محمدحسن از توابع شهرستان اردبیل زندگی می‌کنند. پدر هوشنگ به سبب برخی تبلیغات منفی علیه جو مدارس حکومت پهلوی، مخالف درس خواندن او در مدارس دولتی است. هوشنگ از بازی‌های کودکانه، از علاقه و وابستگی‌اش به خانواده به‌خصوص پدر، کوچ‌کردنشان از روستا به شهرستان اردبیل و اشتغال به تحصیل و کار در اردبیل و نحوه ازدواج زود هنگامش می‌گوید، تا اینکه در ۱۶ مرداد ۱۳۵۶ در سن ۱۸ سالگی طی مراسم ساده عروسی، وارد زندگی مشترک با دختر عمه‌اش می‌شود. نخستین فرزندشان در ۱۶ دی ۱۳۵۷ به دنیا می‌آید؛ ولی لحظه به دنیا آمدن دیگر فرزندان ترسیم نشده است. هوشنگ برای تأمین معاش خانواده، برای کار به تهران می‌رود و با پیروزی انقلاب اسلامی، به همراه مردم تهران در مراسم استقبال از امام خمینی (ره) شرکت می‌کند و سپس به اردبیل باز می‌گردد و ادامه تحصیل می‌دهد و بعد از خرداد ۱۳۵۸، یعنی پس از امتحانات پایان سال تحصیلی، مجدداً برای کار به تهران باز می‌گردد. در فصل سوم با شروع جنگ عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با وجود داشتن زن و فرزند و علاقه زیاد به خانواده، فرمان رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) را لیبیک می‌گوید و پس از گذراندن دوره مقدماتی آموزش نظامی به‌صورت بسیجی عازم جبهه جنگ می‌شود و از ۱۵ تا ۱۸ دی ۱۳۵۹ در عملیات نصر، منطقه غرب دزفول شرکت می‌کند. پس از اتمام عملیات به اردبیل باز می‌گردد و در دبیرستان طالقانی ادامه تحصیل می‌دهد و عضو انجمن اسلامی دبیرستان می‌شود. او پس از پایان سال تحصیلی در سال ۱۳۶۰، بار دیگر برای کار به تهران می‌رود. دوازدهم اسفند همان سال به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اردبیل در می‌آید و برای نخستین‌بار به‌صورت پایور رسمی به جبهه جنگ اعزام می‌شود. راوی از فصل اول تا سوم به آرامی از اتفاقات زندگی و حضورش در فعالیت‌های انقلابی در شهرستان‌های اردبیل و تهران می‌گوید. محور این زندگی، انقلاب و دفاع مقدس است که خاطره‌نگار ماهرانه در خلال مطالب گریزی به جریان انقلاب و دفاع مقدس می‌زند. خاطره‌نگار در شصت و نهمین صفحه به‌طور جدی وارد فضای جنگ می‌شود؛ یعنی حدود ۴۰ درصد از تاریخ شفاهی، آماده‌سازی فضا به دور از شتاب‌زدگی برای ورود به مسئله دفاع

نظرات و در یک کلام، هر گونه تصویر ذهنی احساسی به یادمانده به طور مستقیم و غیرمستقیم (یا حسینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۰).

مهم‌ترین مسئله‌ای که پژوهشگران تاریخ شفاهی با آن مواجه‌اند، تفاوت بین خاطره و تاریخ شفاهی است. در واقع مرز بین خاطره و تاریخ شفاهی را نمی‌توانند به خوبی تشخیص دهند یا تفاوتی بین آنها قائل شوند؛ چه بسا مصاحبه‌کنندگانی که خاطره ثبت می‌کنند، ولی مدعی‌اند تاریخ شفاهی کار کرده‌اند. باید دانست خاطره مثل قصه‌ای است که گاه ممکن است حتی سر و ته نیز نداشته باشد؛ در صورتی که تاریخ شفاهی را می‌توان به یک مقاله علمی تشبیه کرد. مصاحبه‌کننده باید مصاحبه‌شونده را بشناسد تا بتواند حقیقت را دریابد. باید او را به چالش بکشد و به او بفهماند. باید رویدادها را دقیقاً همان‌طور که رخ داده‌اند، تعریف کند، نه آن‌طور که تمایل دارد. شناخت جایگاه راوی (مصاحبه‌شونده) و حدود احاطه و آگاهی و مشرب او در تعیین راستی و میزان صحت خاطره اهمیت بسزایی دارد. خاطره نگاهی از منظر شخص و تأثیرپذیری او از واقعیت‌های بیرونی است. فرق این ذهنیت با واقعیت بیرونی نشان‌دهنده دخل و تصرف ارادی و غیرارادی در آن است. پس شناخت راوی می‌تواند تا حدودی از دخل و تصرف گزارش‌ها بکاهد. تاریخ شفاهی اتمامی است نظام‌مند و پژوهشگر تاریخ شفاهی در پی چیستی و رسیدن به پاسخ‌هایی است که می‌خواهد از مصاحبه‌شونده داشته باشد. نحوه سؤالات، تحلیل مسائل و به چالش کشاندن موضوعات مصاحبه، مرز بین خاطره و تاریخ شفاهی را تبیین می‌کند. در تاریخ شفاهی به علل چگونگی رخدادها، نقش افراد و عناصر مختلف تجزیه و تحلیل‌ها براساس اسناد و مدارک پرداخته می‌شود؛ در حالی که خاطره به هر آنچه در ذهن راوی نسبت به یک واقعه می‌گذرد، اشاره دارد (آذری خاکستر، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰).

با فرارسیدن رنسانس در غرب و محوریت‌یافتن فرد، خاطره‌نگاری در غرب به شیوه‌ای نوین و با برجسته‌تر شدن بیش از پیش نقش راوی رواج پیدا کرد (واشقانی فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۶: ۳۵۲). آشنایی‌یافتن نخبگان ایرانی با تمدن جدید غرب در قاجار، خاطره‌نگاری نوین را در ایران نیز شیوع بیش از پیش داد و نقش راوی را به‌عنوان فردی مستقل و پررنگ در

مقدس است تا خاطرات برای مخاطب عینیت پیدا کند. تقریباً در نیمه اول کتاب، مخاطب با شخصیت‌محوری خاطره، روحیه، احساس و نگرش آن آشنا می‌شود. از فصل دوم تا دوازدهم که روایت جنگ آغاز می‌شود، صفحات بیشتر این فصول به عملیات‌هایی آفندی و پدافندی که راوی در آنها شرکت کرده است، اختصاص می‌یابد تا بتواند انعکاس درستی از فضای دفاع مقدس را ارائه کند. در فصل ششم، راوی برای دومین بار به جبهه جنگ اعزام می‌شود و هنگام گشت‌زنی در منطقه عملیاتی فتح‌المبین، ماسوره مین ضد نفر سوسکی می‌یابد و به قصد خشی‌سازی ماسوره، آن را با دست خود تکان می‌دهد که ماسوره در دستش منفجر می‌شود و سه بند از انگشتان دست راستش قطع، چشم راست و سینه‌اش نیز زخمی می‌شود. در فصل هفتم راوی برای سومین بار به جبهه نبرد اعزام می‌شود و در عملیات والفجر ۱ شرکت می‌کند. فصل هشتم که یکی از تلخ‌ترین خاطره‌های راوی در آن درج شده است، خبر شهادت مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا در سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر است. در فصل نهم، راوی پس از مدتی حضور در جبهه‌های جنگ، برای جذب و سازماندهی نیروی انسانی به جبهه، حدود دو سال در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اردبیل مأموریت می‌یابد. فصل‌های دهم و یازدهم، راوی برای شرکت در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ خود را به لشکر ۳۱ عاشورا می‌رساند. نخست در گردان صاحب‌الزمان (عج) و سپس در گردان قاسم (ع) سازماندهی می‌شود و در عملیات‌های مذکور شرکت می‌کند. فصل دوازدهم به بیان حضور راوی در عملیات بیت‌المقدس ۲ پرداخته و فصل سیزدهم که اواخر جنگ است، وضعیت پدافندی نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا از مناطق عملیاتی شلمچه را ترسیم کرده است. فصل چهاردهم، پایان جنگ و قبول قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد از سوی ایران و عراق را در بر می‌گیرد و در ۱۵ صفحه آخر، تصاویر و مدارک شخصیت‌های خاطره برای تجسم بیشتر خاطرات قرار گرفته است.

## ۲-۲. خاطره و خاطره‌نگاری

خاطره عبارت است از روایت یک، چند یا انبوه یادمانده‌هایی از وقایع، حوادث، برخوردها، گفت‌وگوها، بیان

درست و زنده حوادث، عدم شتاب‌زدگی در مصاحبه، پرهیز از یک‌جانبه‌نگری، بهره‌گیری از زبان و فرهنگ جبهه، آگاهی از تاریخچه دفاع مقدس، اعتبار راوی (ذکر مشخصات و نسبت او با موضوع) و اعتبار روایت، توصیف عینی صحنه‌ها که در ادامه مهم‌ترین عوامل توفیق کتاب *تشنه در آتش* با ذکر نمونه‌هایی از متن آن بررسی می‌شوند.

## ۲-۳. واکاوی ویژگی‌های تاریخ شفاهی در کتاب *تشنه در آتش*

### ۲-۳-۱. مقدمه‌سازی درست و سوزگزینی مناسب

نگارنده در مقدمه کتاب، تمام مقدمات لازم برای تاریخ‌نگاری شفاهی را آماده و یکی از رزمندگان پیشکسوت شهر خود را انتخاب می‌کند. تاریخ مصاحبه را تعیین و با همکاری مدیریت پژوهش اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان اردبیل از راوی برای انجام مصاحبه در اداره مذکور دعوت به عمل می‌آورد. مدیریت پژوهش اداره با دوربین فیلم‌برداری از تمام جلسات مصاحبه فیلم تهیه می‌کند. علاوه بر مصاحبه‌گر، نگارنده نیز در بیشتر جلسات مصاحبه با صبر و حوصله کامل، پای صحبت‌های راوی می‌نشیند. نگارنده در حالی که منفعل نیست و به دلیل اینکه نویسنده داستان است، با آگاهی از اصول نویسندگی توانست به‌خوبی اهداف خود را دنبال کند. با یک سیر طولی در خاطرات از هیچ نکته‌ای که ممکن است از دید راوی پنهان بماند، غافل نمی‌ماند و با طرح به‌موقع سؤالات خود، صحبت‌های راوی را تکمیل می‌کند. مهم‌ترین عامل که سبب شد مصاحبه‌کننده، این رزمنده را برای پروژه تاریخ شفاهی خود انتخاب کند، خاطره تشنگی رزمنده است: «منطقه عملیاتی پاسگاه زید در منطقه دارخوین را برای رزمایش قبل از عملیات‌ها، شبیه‌سازی کرده بودند و گردان‌ها را به نوبت برای تمرین به آنجا می‌بردند. گردان ما بعد از صبحگاه و صرف صبحانه به‌صورت پیاده عازم آن منطقه شد و حدود ساعت ۹ صبح بود که به خاکریزی که نقطه رهایی بود رسیدیم. آفتاب بالا آمده بود و هوا گرم بود. برخی از بچه‌ها در همانجا از آب قمقمه‌هایشان استفاده کردند و بعد از حرکت از آن نقطه باید حدود چهارکیلومتر در منطقه‌ای که میدان مین و کانال‌ها و خاکریزهای مثلثی و مواضع مختلف ایجاد شده بودند، طی می‌کردیم تا به آخر منطقه رزمایش می‌رسیدیم، دوباره همه این

روایت برجسته‌تر ساخت؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، بخشی بسیار مهم و تعیین‌کننده از منابع تاریخ ایران به خاطرات شامل همه نمونه‌ها از قبیل زندگی‌نامه، زندگی‌نامه خودنوشت و سفرنامه اختصاص یافته است (همان: ۳۵۴)؛ اما آن حادثه که حصر، انحصار و محدودبودن خاطره‌نویسی را به طبقه‌ای خاص در ایران شکست و زمینه خاطره‌نویسی را برای لایه‌های زیرین جامعه به‌صورت همه‌گیر فراهم آورد، جنگ هشت ساله یا دفاع مقدس بود (همان). از آن به بعد، تعداد بسیاری از مردم عادی که به‌عنوان رزمنده در جبهه‌های جنگ حضور داشتند و نیز اعضای خانواده‌هایشان، راویان شفاهی یا کتبی خاطرات جنگ شدند؛ برای نمونه، در عملیات بزرگ والفجر ۸ کتاب خاطرات کوتاه از عملیات‌های بزرگ (فروعی، ۱۳۷۱)، اروند خاطرات (بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران، ۱۳۸۳) و از بوشهر تا فاو (یا حسینی، ۱۳۸۲) براساس خاطرات رزمندگان حاضر در این عملیات بزرگ نوشته شد. همچنین، بحث تاریخ شفاهی به‌عنوان موضوعی روشنفکرانه در ایران، از دهه هفتاد خورشیدی به‌صورت جدی مطرح شد و به تبع مباحث نظری، موجی از نمونه‌های عملی را در قالب آثار ادبی با درون‌مایه خاطره‌نگاری دفاع مقدس در پی آورد از جمله کتاب‌های: *یاد مانا* (کمری، ۱۳۸۱)، *دا* (حسینی، ۱۳۸۷)، نیمه پنهان ماه (جعفریان، ۱۳۸۹) و ... (همان: ۳۵۵) و *تشنه در آتش* (موتق، ۱۳۹۶). *تشنه در آتش* دارای این ویژگی‌های توفیق‌زا در هر سه سطح موضوع، استناد و شگردهای فنی نثر است. بعضی از عوامل توفیق *تشنه در آتش* عبارت‌اند از: جذابیت موضوع، هدف‌گذاری و تعیین مسیر تحقیق، حس هم‌ذات‌پنداری، نثر ساده، بی‌تکلفی و واقع‌گرایی، محوریت مسئله دفاع مقدس، بازتاب ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی جنگ تحمیلی، عدم تصرف در موضوع، عدم تداخل تخیل در متن، روایت صادقانه، اجتناب از شعارگرایی، دوری از خودسانسوری، وجود مستندات، چون عکس، مدارک و دست‌نوشته، انعکاس صحیح وقایع دفاع مقدس، پرداختن به حالات روحی راوی و شخصیت‌پردازی راوی و دیگر افراد، اجتناب از کلی‌گویی، مشخص‌بودن تاریخ مصاحبه، فضا‌سازی خاطره همراه با واقعیت و به کار بردن آرایه‌های ادبی ملایم بی‌آنکه آثار تکلف مشهود باشد، دقیق‌بودن در توصیف مکان و حالات، فصاحت و بلاغت پذیرفتنی، ترسیم

### ۲-۳-۲. هدف‌گذاری و تعیین مسیر تحقیق

مسیر تحقیق و مصاحبه در مقدمه کتاب تعیین شده است (تشنه در آتش، ۱۳۹۶: ۱۳). نگارنده به‌درستی می‌داند چه می‌خواهد. او نقشه راه را در دست دارد و همین امر موجب می‌شود مستقیماً به سمت مقصد خویش برود و مراحل مختلف مصاحبه را کنترل و هدایت کند. خاطره‌نگار در جایگاه مصاحبه‌گر به دنبال بیان مستند وقایع هشت سال دفاع مقدس در خلال خاطرات هوشنگ است (همان: ۴۲). مصاحبه‌گر با هدف‌گذاری از ابتدای امر، خط سیر خود را در مسیر مصاحبه ترسیم می‌کند و تأثیرگذارترین پاره‌های روایی را به دست می‌آورد. آنجا که در بیان حزن و حسرت شهادت هم‌رزم هوشنگ می‌نویسد: «چند گلوله بیشتر شلیک نکرده بودیم که ناگهان یکی از آنها (سرباز عراقی) با آر پی جی، اسکویی را هدف قرار داد. به خاطر فاصله نزدیک، گلوله آر پی جی منفجر نشد؛ ولی سینه و قلب او را شکافت. وقتی گلوله از پشت ایشان اصابت کرد، آن شهید سعید با یک صدای آخ، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. من که سرم به زانوی راست ایشان چسبیده بود، دستم را به بدن او گذاشتم و گفتم: ابراهیم شفاعت» (همان: ۱۴۹-۱۴۸).

### ۲-۳-۳. اعتبار راوی

نسبت راوی با موضوع خاطره روی جلد کتاب ذکر شده و مشخصات او همچون نام و نام خانوادگی، تاریخ و محل تولد، و ازدواج او در صفحات ۱۷ و ۲۶ آمده‌اند و این ذکر دقیق، روایت، دقت و اعتبار آن را قطعیت می‌بخشد. در صفحه آخر خاطرات نیز اعتبار راوی این‌گونه عاشقانه و از طریق پیوند معنوی با ایثارگری‌های مردم و رزمندگان دوران دفاع مقدس بیان می‌شود: «اگرچه آرزوی جنگ پسندیده نیست؛ ولی آرزوی فضای معنوی حاکم بر زمان جنگ قابل تحسین است؛ بنابراین، پس از پایان جنگ بسیار حسرت حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را در دلم داشته و دارم و وقتی که به یاد ایثارگری‌ها و فداکاری‌های مردم و رزمندگان در طول هشت سال جنگ تحمیلی می‌افتم، آرزو می‌کنم که ای کاش دوباره به آن دوره از تاریخ کشورم برگردم» (همان: ۲۰۹).

### ۲-۳-۴. اعتبار روایت

اعتبار روایت تا حدود زیادی به اعتبار راوی تکیه دارد و

مسیر را برگشته و به مقر گردان می‌آمدیم. با توجه به این مسئله که راهپیمایی در این مسیر، راهپیمایی معمولی نبود، در برخی نقاط می‌بایستی از زیر آتش تیربارها رد می‌شدیم و بعضی از مواقع از معابر مشخص‌شده در میادین مین عبور می‌کردیم و گاهی هم فرماندهان در رابطه با نحوه حرکت و تاکتیک‌های جنگ در کانال را توضیح می‌دادند. تشنگی و بی‌آبی رزمندگان را اذیت می‌کرد. بسیاری از رزمندگان قبل از طی کردن مسافت چهارکیلومتری آب‌هایشان را تمام کرده بودند و قمقمه‌هایشان خالی شده بود. پس از طی این مسافت پر از موانع و با اتمام مأموریت برگشتیم. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر بود که به نقطه رهاشدن نیروها رسیدیم. شدت تشنگی به اندازه‌ای بود که از حدود ۳۰۰ نفری که در حال حرکت بودیم، هیچ صدایی شنیده نمی‌شد و کسی توان صحبت کردن نداشت. همه رزمندگان در حال راه رفتن بودند. خود من هم به‌شدت تشنه بودم و فکر می‌کردم وضعیت من از همه بدتر است؛ ولی وقتی برگشتم و به سیمای رزمنده بغل‌دستی نگاه کردم و لب‌های ترکیده‌ او را دیدم، تازه فهمیدم که وضعیت کل بچه‌ها وخیم است. نظم ستون‌ها به هم ریخته بود و هر کس فقط به فکر رساندن خود به یک محلی بود که در آنجا آب باشد. پس از مدتی پیاده‌روی، چادرهایی از دور دیده شدند که بعدها معلوم شد چادرهای تیپ ۲۳ بیت‌المقدس ارومیه بودند. تا آنجا عده‌ای از رزمنده‌ها از فرط تشنگی افتاده و جا مانده بودند که آمبولانس آنها را به طرف چادرها آوردند. من با دیدن این صحنه‌ها با خودم عهد کردم که وقتی به آب رسیدم، صبر کنم تا دیگران آب بخورند و بعد هم من از آب استفاده کنم؛ اما وقتی به آنجا رسیدیم، دقایقی صبر کردم، ولی صبرم تمام شد و هر طور شده خود را به آب رساندم و آنقدر آب و دوغ خوردم که توان حرکت نداشتم» (تشنه در آتش، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۰۷). پایداری و صبوری راوی در زمان وقوع حوادث و هنگام روایت، نه‌تنها موجب همراهی خواننده با راوی و روایت می‌شود، مصاحبه‌گر را نیز درگیر پیوند با راوی و روایت می‌کند و همین پیوند نزدیک که در راوی نیز شکل می‌گیرد، موجب اعتماد راوی می‌شود و به واقع‌گرایی و جزئی‌نگری مبدل می‌شود. از فصل سوم به بعد، این حضور سنگین صبر و پایداری را می‌توان لمس کرد که فضای سرد و هول‌آور روایت جنگ را به صحنه همدلی راوی، مصاحبه‌گر و خواننده مبدل می‌سازد.

از همان مقدمه کتاب پیداست که مصاحبه‌گر به هدف‌گذاری پروژه خویش می‌پردازد و هفت هدف را برای خود، راوی، بنیاد حفظ آثار و خواننده تعیین می‌کند (همان: ۱۶-۱۴). او در سرتاسر کتاب از مسیر مستقیم این هدف‌گذاری خارج نمی‌شود و به بی‌راهه نمی‌رود. مصاحبه‌گر و راوی، هر دو با هم پیوند مستحکم کاری یافته‌اند. پس مصاحبه‌گر به راوی مجال می‌دهد با جزئیات تمام به بیان حسب‌حال خویش بپردازد و راوی نیز در این عرصه کوتاهی نمی‌کند؛ اما این مجال‌دادن، هدایت‌شده و آگاهانه است و تنها توصیف جزئیات واقعی جنگ است نه تطویل و شاخ و برگ دادن مخلّ (واشقانی فراهانی و ابراهیمی هزیر، ۱۳۹۶: ۳۶۰. با دخل و تصرف).

فصل اول کتاب، با توصیفی موجز و بلاغتی لازم از دوران کودکی هوشنگ آغاز می‌شود. مخاطب طی این فصل و فصل بعدی با روحیات، شخصیت، مکان زندگی، طبقه اجتماعی راوی آشنا می‌شود. باید هوشنگ را شناخت. پس لازم است از خانواده او و کودکی‌اش چیزهایی دانست. در فصل اول، گریزی به دوران حکومت محمدرضا شاه پهلوی و فعالیت‌های سیاسی و انقلابی هوشنگ زده می‌شود تا او و اعتقادات‌اش را به مخاطب بشناساند. سپس از فصل دوم به بعد، مخاطب در مسیر دفاع مقدس قرار می‌گیرد. در سرتاسر کتاب، نکاتی که لازمه روشن شدن موضوع و باورمندی به متن است، در خلال مطالب گنجانده شده است؛ همچون رابطه راوی با شخصیت‌ها و رزمندگانی که نامشان در خاطرات هست، ویژگی‌های اخلاقی و بعضاً محل سکونت آنها؛ اما نحوه هدایت و کنترل مصاحبه طوری بوده است که توانسته است از شاخ و برگ دادن به خاطرات و گمراهی ذهن مخاطب به دور باشد. تمام این مسیر به یک مقصد منتهی می‌شود. لحظه پایان جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد توسط ایران و حسب‌حال راوی از پی آن و این مقصد و مقصود به‌درستی به دست می‌آید و هرچه به انتهای کتاب نزدیک می‌شود، اشارات خبردهنده از این مقصد بیشتر می‌شود. این اشارات ثمره هدایت خوب پروژه است؛ چه به لحاظ عوامل بیرون متن از قبیل ایجاد اعتماد در راوی و چه به لحاظ پیش‌برد متن مصاحبه.

#### ۲-۳-۷. ترسیم درست و زنده حوادث

یادکردن از ایثار و فداکاری‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس به دور از تکلف، سبب دلنشین شدن تاریخ شفاهی است

نویسنده این اعتبار را از همان جلد کتاب و با ذکر مشخصات راوی به‌خوبی به نمایش گذاشته است. در جای‌جای متن کتاب نیز به هر بهانه‌ای شخصیت راوی با جزئیات تازه ترسیم می‌شود تا یادآور اعتبار روایت باشد. در لابه‌لای خاطرات، با رزمنده‌ای آشنا می‌شویم که جانباز و بازنشسته است و بر ایامی که در جبهه حق علیه باطل بر او گذشته است، غبطه می‌خورد: «وقتی به عبور صاعقه‌وار زمان فکر می‌کنم و به یاد شهدا می‌افتم، حقیقتاً آهی جانسوز از درونم برمی‌خیزد و به حال آن عزیزان غبطه می‌خورم» (همان). همه‌چیز درباره‌ی راوی مشخص است و چیزی نیست که خواننده بخواهد درباره‌ی او بداند و مخلّ اعتبار روایت باشد.

#### ۲-۳-۵. حسن هم‌ذات‌پنداری

هم‌ذات‌پنداری خواننده با راوی و روایت، علتی چندسویه دارد؛ زیرا هم از خود راوی و هم از نفس روایت و نیز از هوشمندی مصاحبه‌گر در نحوه گردآوری داده‌ها و سپس پردازش و نگارش آنها نشأت می‌گیرد. راوی هنگام انجام عملیات‌ها با وجود خطرات جانی در اوج شجاعت و معنویت است و این هاله‌ای از غیرت و عرق‌مائی را بر خواننده در حین خواندن خاطرات او حاکم می‌کند.

خاطره‌نگار توانسته است با بیان اهمیت دفاع و دوری راوی از خانواده، حس هم‌ذات‌پنداری را در خواننده تقویت کند؛ به طوری که خواننده خود را هم‌درد راوی می‌داند. راوی در سرمای زمستان در سنگر آب‌گرفته و کانال‌های کم‌عرض و کم‌ارتفاع در برابر آتش شدید دشمن پایداری می‌کند و از مصائبی که از شهادت دوستان و هم‌زمانش باید تحمل کند، می‌گوید: «... تا شب، آتش درگیری توپخانه‌ها بین نیروهای ما و ارتش بعثی عراق بسیار شدید بود؛ به طوری که یکی از [گلوله] خمپاره‌های دشمن داخل کانال اصابت کرد و یکی از رزمنده‌ها به شهادت رسید. از نزدیک مشاهده می‌کردم که قایق‌های [گردان] تعاونی که از جزیره ام‌الرصاص به طرف عقب برمی‌گشتند، با خود تعداد زیادی از پیکرهای شهدای گردان غواصی را می‌آوردند» (همان: ۱۳۹).

#### ۲-۳-۶. نحوه هدایت و کنترل مصاحبه

مصاحبه‌گر به‌درستی می‌داند در پی چیست. او نقشه راه را در دست دارد و از راه صحیح مصاحبه خارج نمی‌شود. این امر



را نیز افزایش می‌دهد و او را به دنیای زنده و واقعی جنگ می‌برد (واشقانی فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۶: ۳۶۵). آنجا که در متن روایت، سخن از پیکر غواصی به میان می‌آید: «هنگامی که نیروهای گردان غواصی در ابتدای عملیات [کربلای ۵] آنجا را پاکسازی کرده بودند، یکی از این غواصان به حالت نیم‌خیز در حالی که به دیوار سنگر دشمن تکیه کرده بود، مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفته و شهید شده بود. پیکرش طوری قرار گرفته بود که وقتی به او نگاه می‌کردم، هر لحظه احتمال می‌دادم که می‌خواهد از جایش بلند شود» (تشنه در آتش، ۱۳۹۶: ۱۵۲). همچنین، برای آنکه خواننده تصویری واقعی از شخصیت‌های روایت داشته باشد، در ضمائ کتاب، عکس‌هایی از هم‌زمان شهیدش از جمله شهید بنامعلی محمدزاده و شهید اسکندر صفرزاده و دوست هم‌رزمش، حجت‌الاسلام اکبری جدی، عکس‌های حضور هوشنگ در جبهه، سفر او به خرمشهر، عکس کارت‌های شناسایی و سایر مدارک هوشنگ آمده است (همان: ۲۲۶-۲۱۲).

### ۲-۳-۹. دوری از خودسانسوری و تقدس‌گرایی

یکی از دلایل واقع‌نمایی خاطرات تشنه در آتش و افزایش هم‌ذات‌پنداری مخاطب با آن، پرهیز از خودسانسوری راوی و نیز اجتناب از تقدس‌گرایی در ترسیم جنگ و نقل حوادث آن است. تقدس‌گرایی سبب می‌شود خاطره‌نگار و مصاحبه‌شونده نتوانند حوادث را آنگونه که در واقع امر است، بیان کنند. خاطرات تشنه در آتش از این پدیده به دور است. مخاطب در خاطرات راوی، با شهیدانی مواجه می‌شود که نه از فراسوی مرزهای ماورای طبیعت، بلکه از درون طبیعت انسانی و از میان خود ما آمده‌اند و ارزش ایناگرایی‌های آنان با در نظر داشتن این واقعیت، چندین برابر می‌شود: «در مدتی که آنجا [منطقه عملیاتی کربلای ۵، کانال دژ شلمچه] بودیم، رزمندگان حال و هوای معنوی و روحانی داشتند و بیشتر وقت‌شان را با خواندن دعا و راز و نیاز و [قرآنت] قرآن سپری می‌کردند و با یکدیگر طوری رفتار می‌کردند که گویا سال‌ها است که همدیگر را می‌شناسند یا عزیزترین دوست و برادر یکدیگرند و حتی عده‌ای از رزمندگان آنچنان روحیه بالایی داشتند که با هم شوخی می‌کردند. به نظر من آنها حال بهشتی خود را مدتی زودتر به دست آورده بودند و به قول امام(ره) با قهقهه مستانه‌ای که داشتند «عد ربه‌م یرزقون» بودند؛ به طوری که حال آنها

و خواننده را با تازگی‌ها و حتی شگفتی‌های جذاب همراه می‌سازد و این از ویژگی‌های بارز تشنه در آتش است: «منطقه عملیاتی بیت‌المقدس ۲، ارتفاعات گرده رث و قوجار ماووت عراق]، با هوای سرد و کوهستانی که در آنجا حاکم بود، همه نیروها داخل کیسه‌خواب‌هایشان داشتند از سرما می‌لرزیدند. هنگام نماز صبح بود که از فرماندهی گردان، اطلاع دادند که باید آماده حرکت باشیم. وقتی با عجله به محل استراحت رزمندگان آمدم، اثری از آنها ندیدم و با صدای بلند نیروها را صدا کردم که ناگهان متوجه شدم برف‌های روی زمین به حرکت درآمد و رزمندگان از زیر برف یکی‌یکی پیدا شده و از خواب بیدار شدند. بارش برف به حدی بود که رزمندگان زیر برف مانده و هم‌رنگ محیط شده بودند، من لحظه‌ای احساس کردم آنها را گم کرده‌ام» (تشنه در آتش، ۱۳۹۶: ۱۷۹). این جزئی‌نگری و توصیف دقیق در جای‌جای روایت، ما را با تصاویری رنگی و دیدنی مواجه می‌سازد و مخاطب را اگرچه خود در صحنه نبوده و ندیده است، به میان حادثه و به تماشای آن می‌کشاند: «قبل از عملیات کربلای ۵، پادگان شهید باکری - دزفول] در حال آموزش رانندگی و تیراندازی با تانک در گردان زرهی بودیم، نزدیکی‌های ظهر به گردان برگشتیم و پس از وضو مشغول خواندن نماز ظهر شدیم. در آخرین سجده نماز ظهر بودیم که صدای انفجارهای مهیبی نمازخانه را لرزاند، زود نماز را به پایان رساندیم و با عجله از نمازخانه بیرون آمدیم و به ذهنم رسید که در شمال گردان کانالی وجود دارد، به همراه بچه‌های رزمندگان، با سرعت به سمت کانال حرکت کردیم و بعد از ورود به کانال، هواپیماها (جنگنده‌های عراقی) دوباره بازگشتند و شروع به بمباران مجدد کردند؛ وقتی از پایین به هواپیماها نگاه نگاه کردیم، لحظه جدا شدن بمب‌های خوشه‌ای را دیدیم و زمانی که بمب‌ها از بدنه اصلی [جنگنده] رها شدند، در آسمان مثل دسته متراکمی از پرندگان سفیدرنگ بودند که هر لحظه با صدای مهیبشان به زمین نزدیک می‌شدند. وقتی بمب‌ها به زمین رسیدند، طوفانی از صدای غرش انفجار به راه انداختند» (همان: ۱۲۹-۱۲۸).

### ۲-۳-۸. دقت و مستندبودن روایت

راوی و نگارنده، برای تقویت ویژگی اعتبار روایت، بر دقت و استناد اجزای روایت تمرکز می‌کنند. این تمرکز علاوه بر آنکه اعتبار روایت را تقویت می‌کند، ویژگی هم‌ذات‌پنداری خواننده

خانواده و هم‌زمانش است؛ اما این خاطرات، محملی است برای بین مسئله‌ای بس مهم‌تر؛ یعنی مقوله دفاع مقدس. با وجود این، هم محمل و هم محمول در تعادل کامل با هم پیش می‌روند. خواننده با حسب‌حالی بس عرقی و واقعی مواجه است با تمام جزئیات و گفتنی‌ها و ناگفتنی‌ها؛ در عین حال، تمامی این جزئیات با مسئله اصلی کتاب، یعنی دفاع مقدس گره می‌خورد و از آن فاصله نمی‌گیرد. راوی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵، از جبهه‌های جنگ به شهر خود، اردبیل مأمور می‌شود تا در جهت جذب و سازماندهی نیروی انسانی و تدارکاتی به جبهه جنگ مشغول شود. هرچند این کارش نیز جزو جهاد به شمار می‌رود، او همواره در تلاش است به هر ترتیب در جبهه‌های نبرد و در کنار رزمندگان حضور پیدا کند؛ زیرا جهاد و دفاع حضوری، اولویت خاصی برای او دارد: «در این مدت که نزدیک دو سال بود، بسیار تلاش می‌کردم به مناطق جنگی اعزام شوم که پس از مراجعه زیاد به فرماندهی سپاه اردبیل، حاج امامی و خوشبخت، فرمانده بسیج اردبیل، بالاخره در ۱۳۶۵/۰۶/۱۰ موفق شدم نامه اعزام دریافت کنم و به‌صورت انفرادی دوباره به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شوم» (تشنه در آتش، ۱۳۹۶: ۱۲۲-۱۲۱). به‌جز فصل اول تشنه در آتش، محوریت همه فصول، مسئله دفاع مقدس است؛ حتی در فصل چهاردهم که به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اختصاص دارد، هنوز بحث محوری، دفاع مقدس است: «مسئله پذیرش قطعنامه برای امت حزب‌الله خیلی سنگین و مشکل بود و برای بنده و رزمندگان دیگر هم واقعاً سخت بود و ما آرزوی مرگ می‌کردیم تا چنین روزی را با چشمانمان نبینیم» (همان: ۲۰۴).

### ۳. نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی (Oral History) مبتنی بر گردآوری و ثبت خاطرات و یکی از شیوه‌های تحقیقات تاریخی است که جنبه شفاهی دارد. تاریخ شفاهی از منابع بزرگ تحقیقات تاریخی در نود سال اخیر ایران و جهان است. این شیوه تاریخ‌نگاری در حوزه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به نسل‌های حال و آینده کمک می‌کند تا چگونگی رخدادهای آن را دریابند و به آن احترام و افتخار کنند. از میان کتاب‌های خاطرات جنگ هشت سال دفاع مقدس، کتاب تشنه در آتش که در کنار دیگر کتاب‌های موفق حوزه ادبیات پایداری به زبان فارسی است، با محوریت موضوع دفاع مقدس به بیان خاطرات هوشنگ عبدی

برای امثال من قابل درک نبود. افرادی مثل عزیز [قیوم اصغری] و پرویز [خلفی فرد] و ... تا دقایقی قبل از عملیات صدای خنده و شادی‌شان قطع نمی‌شد» (همان: ۱۴۶). هوشنگ در سایه اعتمادی که میان او و مصاحبه‌گر پدید آمده است، معمول‌ترین اجزای روابط انسانی که معمولاً بیان نمی‌شود و در تلفیق با ویژگی رفع تقدس‌گرایی، حتی از این ابایی ندارد که بگوید در برهه‌ای از جنگ، خانواده‌اش مخالف رفتن پسرشان به جبهه بوده است: «خانواده‌ام گاهی بعد از مجروحیت‌ام با ادامه حضورم در مناطق جنگی مخالفت می‌کردند. اینکه ما یک خانواده روستایی بودیم و کارمان دامداری و کشاورزی بود، حضور یک پسر جوان در میان خانواده [روستایی] یک نعمت بزرگ الهی بود تا در کارهای روستا کمک‌حال خانواده باشد؛ به همین خاطر و به دلیل محبت مادری، گاهی مرحوم مادرم با رفتن‌ام به جبهه مخالفت می‌کرد» (همان: ۹۰).

### ۲-۳-۱۰. پرهیز از یک جانبه‌نگری

پرهیز از خودسانسوری و تقدس‌گرایی، نتیجه‌ای دارد که موجد واقع‌نمایی بیشتر روایت و هم‌ذات‌پنداری بیش از پیش خواننده است. خواننده در تشنه در آتش، نه با انسان‌های کامل، بلکه با افرادی کاملاً انسان مواجه است که می‌تواند حضورشان را در اطراف خود لمس و خاطرات‌شان را باور کند. هوشنگ جوانی است مانند همه جوانان، او سه سال و اندی قبل از شروع جنگ ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده است. او به همسر و فرزندش وابسته و بسیار علاقه‌مند است؛ حتی در تعطیلات تابستانی برای تأمین معاش خانواده برای کار به تهران می‌رود؛ با این حال، ادامه تحصیل نیز می‌دهد تا زندگی‌اش را سامان دهد و در کنار خانواده در رفاه و آسایش زندگی کند. ارزش کار او در این است که به همه خواسته‌های طبیعی انسانی، پشت پا می‌زند تا پی هدفی والاتر رود که انتخاب این راه به احتمال زیاد به از دست رفتن جان‌ش نیز منجر شود. ارزش از خودگذشتگی‌های هوشنگ نیز در همین نکته است. او نیز دل‌بستگی‌هایی چون دیگر انسان‌ها دارد. او انسانی کامل توصیف نمی‌شود و کاملاً انسان است (واشقانی فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۶: ۳۶۶. با دخل و تصرف).

### ۲-۳-۱۱. محوریت مسئله دفاع مقدس

تشنه در آتش، خاطرات هوشنگ عبدی از زندگی خودش،

خاطره‌نویسی و خاطره نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران. تهران: انتشارات سوره مهر.

- واشقانی فراهانی، ابراهیم و ابراهیمی هژیر، معصومه. (۱۳۹۷). «واکاوی تاریخ شفاهی دفاع مقدس در مجموعه خاطرات دختر شینا». نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۸، صص ۳۷۲-۳۴۷.

- یاحسینی، سیدقاسم. (۱۳۸۹). ضرورت پرداختن به تاریخ شفاهی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق. مقوله‌ها و مقاله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس. مجموعه مقالات و نشست‌ها. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

و بازتاب روانی، اجتماعی و اقتصادی جنگ پرداخته است. کتاب تشنه در آتش هرچند تا کنون تجدید چاپ نشده، به دلایل زیر کتاب موفقی در حوزه تاریخ شفاهی است:

یکی از ویژگی‌های کتاب تشنه در آتش، معین‌بودن نقشه راه برای مصاحبه‌گر و حوصله او در پیشبرد مبحث تاریخ‌نگاری در مراحل مختلف مصاحبه، پردازش و نگارش داده‌ها است. همچنین، احساس حضور راوی با تمام ذهنیات و افکار در خلال واقعیت‌های سرد و خشک جنگ، از نقاط قوت این کتاب است.

آنچه در خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی بسیار اهمیت دارد، مسئله اعتبار راوی و استناد اطلاعات است که کتاب تشنه در آتش از این لحاظ نیز بسیار قوی بوده و در عین حضور پررنگ راوی در سطر سطر متن، خللی به واقع‌نمایی و واقع‌گرایی کتاب وارد نشده است.

همچنین، یکی دیگر از ویژگی‌های تشنه در آتش، احساس مسئولیت دوطرفه میان راوی و مصاحبه‌گر است که موجب اعتمادی عمیق در راوی شده و این اعتماد باعث شده است راوی، بدون خودسانسوری به بیان خصوصی‌ترین و حساس‌ترین لحظات خویش بپردازد. نتیجه نهایی احساس همدلی و اعتماد میان راوی و مصاحبه‌گر، احساس نوعدوستی و عرق وطن‌دوستی خواننده با راوی و روایت را سبب شده است و این از توفیقات کتاب به شمار می‌رود.

## منابع

- آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۳۹۰). «مرز میان خاطره و تاریخ شفاهی در تدوین کتاب‌های جنگی با نگاهی به کتاب دا و نقد محتوای آن». همایش تاریخ شفاهی ایران، دوره ۷، صص ۲۱-۲۰.

- شانکی، مریم. (۱۳۸۶). در کوچه‌های خرمشهر. چاپ چهارم. تهران: سوره مهر.

- فروغی جهرمی، محمدقاسم. (۱۳۸۹). مقوله‌ها و مقاله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس، مجموعه مقالات و نشست‌ها. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

- کمری، علی‌رضا. (۱۳۸۳). با یاد خاطره: درآمدی بر

